



اقتصاد ایران

معضلات کارگاه‌های کوچک تولیدی

۱۲



بورس

ابقای مدیران سابق

۱۳



اقتصاد جهان

محبویت گاز پرم در روسیه

۱۴



اقتصاد جهان

کلسترلی ناجی فیلیس

۱۴



گمانه‌زنی در مورد موفقیت طرح سهام عدالت

پروین درودیان



صنایع و تولیدکنندگان داخلی داشته‌است به دلیل رابطه مستقیم افزایش حجم واردات با بالا رفتن درآمدهای نفتی ایران، انتظار می‌رود در صورتی که با کاهش درآمدهای ارزی رویه‌رو شویم اجباراً میزان واردات نیز کاهش یابد. با کاهش میزان واردات در شرایط فعلی بازار، تورم ۴۰ تا ۵۰ درصدی همراه با ضربه‌های سنگین اقتصادی بعبعد نخواهد بود. متأسفانه معمولاً سیاست‌های اقتصادی کشورها همچون مثال ذکر شده در این جا بیشتر بر حل یک مشکل اقتصادی متمرکز است و پیامدهای حاشیه‌ای آن کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. از دیگر فعالیت‌های این گونه می‌توان از سفرهای استانی آقای احمدی نژاد که در ماه‌های اخیر بسیار مورد تحسین قرار گرفته است، یاد کرد. با اینکه این سفرهای استانی در راستای سیاست‌های توسعه ملی و یکپارچگی هر چه بیشتر اقتصاد کشور صورت می‌گیرد اما تصویب مصوباتی برای توزیع اعتبارات عمرانی و جاری در استان‌ها از جهات مختلف قابل تامل است. تجربه کشورهای توسعه‌یافته نشان می‌دهد اعطای اعتبارات، بدون توجه به بحث‌های کارشناسی آن و بدون در نظر گرفتن ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های واقعی منطقه می‌تواند عواقب نامطلوبی داشته باشد. در صورت عدم تحقق اعتبارات اختصاص یافته قسمت‌های عظیمی از فعالیت‌های اقتصادی استان‌ها بلا تکلیف می‌ماند و این امر ضرورت تحقیقات گسترده و دقیق در جهت جمع‌آوری آمار مربوطه را کاملاً روشن می‌کند. مجموعه این تحقیقات و بررسی‌ها مطمئناً کار یک هفته یا دو هفته نیست و ماه‌ها وقت لازم است تا به طور مثال برای استان اصفهان اطلاعات جامعی پیرامون صنایع مختلف آن و ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری در آنها به دست آید. مثال‌های بسیاری از این دست می‌توان زد که سیاست‌های اقتصادی کشور را کاملاً زیر سؤال می‌برند. البته باید توجه داشت معمولاً هر سیاست و برنامه اقتصادی که در یک کشور اجرا می‌شود همیشه به طور ناخوسته با یک سری عواقب نامطلوب نیز همراه است و در اصطلاح هیچ‌گاه نمی‌توان در اقتصاد همه را راضی نگه داشت اما آنچه که موجب می‌شود اجرای یک طرح اقتصادی را موفقیت‌آمیز بدانیم در به حداقل رساندن مسائل حاشیه‌ای است. در این زمینه انجام کارهای کارشناسانه و توجه به پیش‌نیازهای اجرای یک سیاست می‌تواند کاملاً در کاهش عواقب منفی آن کمک کننده باشد. از همین رو است که معمولاً در کشورهای توسعه‌یافته بین تصویب یک طرح و زمان اجرای آن مدت مشخصی را جهت فراهم نمودن زمینه‌ها و بسترسازی‌ها در نظر می‌گیرند. هر برنامه اقتصادی از سوری دولت به دلیل تأثیر گسترده‌ای که بر مسیرهای کلان اقتصادی می‌گذارد و از طرف دیگر به جهت تعیین سرنوشت زندگی یک ملت باید کاملاً متحاطانه و با اطمینان کافی از اثرات آن، مراحل اجرایی خود را طی کند. متأسفانه در کشور ما به دلیل تعجیل بی‌مورد در اجرای سیاست‌ها معمولاً زمان کافی جهت بررسی شرایط، تعیین پیش‌نیازها و مطالعه ابعاد تأثیرات آتی طرح، در نظر گرفته نمی‌شود. پیش‌نیازهای اجرای یک طرح گاهی آنقدر اهمیت پیدا می‌کند که بدون آنها مطمئناً طرح راه به جایی نخواهد برد.

اگرچه تاکنون بسیاری از سیاست‌هایی که در بخش اقتصادی کشور ما اعمال شده‌اند از توجه به این نکته مهم غافل بوده‌اند اما در شرایط فعلی به دلیل تنگاتنگ بودن عرصه رقابت بین المللی و شرایط سخت اقتصادی حاکم برجامعه، سهل‌انگاری در هر برنامه ملی ضربه‌ای جبران‌ناپذیر بر پیکره اقتصاد ما وارد خواهد کرد. دیگر زمان آزمون و خطا در اجرای برنامه‌ها پایان یافته و باید با تکیه بر تجربیات کشورهای موفق نگرش تازه‌ای در تدوین سیاست‌ها و طرح‌های اقتصادی در پیش گیریم. در ماه‌های اخیر اجرای چند طرح اقتصادی بسیار مورد توجه قرار گرفته و در مطبوعات نیز تحلیل‌های زیادی پیرامون آنها نوشته شده‌است که یکی از آنها طرح سهام عدالت است. در اینجا سعی شده از زاویه‌ای دیگر این طرح مورد بررسی قرار گیرد. از آن‌جایی که این برنامه هنوز به طور گسترده در کشور اجرا نشده‌است می‌توان با یک سری دوراندیشی‌ها کاری کرد که به سرنوشت ده‌ها طرح اقتصادی اجرا شده در سال‌های گذشته دچار نشود و به دلیل اینکه معمولاً ضعف طرح‌های قبلی در عدم دوراندیشی و عدم توجه به پیش‌نیاز بوده‌است در اینجا بدون در نظر گرفتن درستی یا نادرستی اجرای طرح، به تدابیر لازم قبل از اعمال آن می‌پردازیم.

از جمله برنامه‌های مطرح اقتصادی در ماه‌های اخیر واگذاری کوپن سهام به مردم تحت عنوان سهام عدالت بوده است. براساس این طرح که از سال گذشته تاکنون موضوع بحث بسیاری از محافل اقتصادی بوده، ۶۰ شرکت مادر تخصصی در کشور با استناد به سیاست‌های کلی اصل ۴۴، برنامه چهارم و مفاد سند چشم‌انداز، قابل واگذاری به مردم خواهندبود. احمد توکلی، طراح سهام عدالت، با بررسی تجربه کشورهای نظیر چک، لهستان، مغولستان و روسیه، آن را برای سیاست‌گذاری‌های کشور بسیار جذاب می‌داند. طرح کوپن سهام در ایران با استناد به سه برنامه توسعه‌ای در کشور نتیجه گرفته که طی ۲۷ سال گذشته بر حجم شرکت‌های دولتی در ایران اضافه شده و این در حالی است که در دو برنامه آخر (برنامه دوم و سوم) سعی بر کنترل حجم شرکت‌های دولتی و سپس واگذاری آنها به بخش خصوصی بوده است. آتین‌نامه «افزایش ثروت خانوارهای ایرانی» که به‌نام «سهام عدالت» معروف شده است از جمله طرح‌هایی است که اگر پیش از اجرای قطعی و گسترده، زمینه‌های لازم اجرایی آن فراهم نشود نه تنها موجب افزایش ثروت خانوارهای ایرانی نمی‌گردد بلکه به مشکلات کنونی فقر در جامعه نیز دامن خواهد زد. اجرای این طرح موافقان و مخالفان زیادی در بین کارشناسان اقتصادی کشور دارد اما اگر فرض را بر این بگذاریم که این طرح تنها راه ممکن جهت کوچک‌سازی دولت و رونق بخش خصوصی است باید به دنبال فراهم نمودن بسترها و شرایط لازم در راستای به حداقل رساندن تبعات نامطلوب آن باشیم. اولین نکته‌ای که در مورد طرح سهام عدالت حائز اهمیت است، وضعیت مالی شرکت‌های دولتی است. اکثر شرکت‌های دولتی شمول طرح خصوصی‌سازی یا کاملاً ورشکسته شده‌اند یا در مرز ورشکستگی هستند. بنابر این نمی‌توان انتظار داشت تا با واگذاری سهام این شرکت‌های زیان‌ده، ثروت خانوارهای ایرانی

دولتی ناشی از مدیریت‌های ضعیف است. در صورتی که هدف اجرای طرح خصوصی‌سازی، ارتقای سطح عملکرد شرکت‌ها باشد، باید گفت که با توجه به وضعیت واگذاری شرکت‌ها این امر تحقق پیدا نخواهد کرد. با این گونه واگذاری‌ها، بخش بیشتر سهام همچنان در اختیار دولت خواهد بود و این به معنای قدرت بیشتر دولت در اعمال مدیریت‌ها و اتخاذ تصمیم‌ها در یک شرکت واگذار شده است و بنابراین تا وقتی که مدیریت این شرکت‌ها به همین شکل پیش رود نمی‌توان انتظار تحولی در وضعیت آن داشت. در این مورد نیز باید برای پایان دادن به روند سکون در بخش

افزایش یابد. البته منکر این نکته نمی‌توان شد که شرکت‌های معدودی هم هستند که مانند اکثر شرکت‌های سازمان گسترش صنایع سوده هستند اما این مطلب اشکال اساسی وارد بر طرح را کمرنگ نمی‌کند. چون در ابتدا فرض را بر این گذاشتیم که اجرای طرح سهام عدالت قطعی است بنابراین باید به فکر راهی جهت حل این مشکل باشیم. زیان‌ده بودن بخشی بزرگ از شرکت‌هایی که باید در آینده به مردم واگذار شوند مشخص می‌کند که یکی از پیش‌نیازهای اجرایی این طرح ایجاد تحول در عملکرد این شرکت است. با بررسی فعالیت این شرکت‌ها باید گره کور در مجموعه را مشخص کنیم و با رفع این گره، عملکرد شرکت‌ها را به سطحی قابل قبول برسانیم. اگر این اقدام به دلیل زمان‌بر بودن مورد پذیرش مسئولان طرح قرار نگیرد باید تنها شرکت‌هایی را که در حال حاضر دارای شرایط مناسب مالی هستند وارد طرح کنیم و در کنار آن با اتخاذ تدابیر مناسب سعی در ارتقای توانایی‌های شرکت‌های زیان‌ده داشته باشیم. در هر صورت مشکل شرکت‌های زیان‌ده عامل بسیار مهمی است که بی‌توجهی به آن پیش از اجرای طرح، آن را از اهداف در نظر گرفته شده دور می‌کند.

نکته دوم در مورد میزان و درصد واگذاری شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی است. براساس طرح واگذاری سهام عدالت، ۴۹ درصد سهام شرکت‌های مشمول این طرح واگذار شده و ۵۱ درصد سهام شرکت‌ها همچنان در دست دولت باقی می‌ماند. براساس تجاربی که در دوره‌های مختلف حاکمیت دولت‌ها در ایران به دست آمده است مشکل اساسی و اصلی ناکآرامدی بخش

خلاصه مقاله

۱- متأسفانه در کشور ما به دلیل تعجیل بی‌مورد در اجرای سیاست‌ها معمولاً زمان کافی جهت بررسی شرایط، تعیین پیش‌نیازها و مطالعه ابعاد تأثیرات آتی طرح، در نظر گرفته نمی‌شود. ۲- زیان‌ده بودن بخشی بزرگ از شرکت‌هایی که باید در آینده به مردم واگذار شوند مشخص می‌کند که یکی از پیش‌نیازهای اجرایی این طرح ایجاد تحول در عملکرد این شرکت‌ها است. ۳- زمانی که در سال‌های ۱۳۶۸ و ۱۳۶۹ مقدمات خصوصی‌سازی در کشور فراهم می‌شد، هنوز کشورهای دنیا به‌مدت‌های طولانی از این موضوع درخشند. اما امروز که تجارب ارزشمندنی درخصوص کوچک‌سازی دولت شکل گرفته، تکرار اشتباهات این گونه کشورها به هیچ وجه قابل توجه نیست.

دولتی ناشی از مدیریت‌های ضعیف است. در صورتی که هدف اجرای طرح خصوصی‌سازی، ارتقای سطح عملکرد شرکت‌ها باشد، باید گفت که با توجه به وضعیت واگذاری شرکت‌ها این امر تحقق پیدا نخواهد کرد. با این گونه واگذاری‌ها، بخش بیشتر سهام همچنان در اختیار دولت خواهد بود و این به معنای قدرت بیشتر دولت در اعمال مدیریت‌ها و اتخاذ تصمیم‌ها در یک شرکت واگذار شده است و بنابراین تا وقتی که مدیریت این شرکت‌ها به همین شکل پیش رود نمی‌توان انتظار تحولی در وضعیت آن داشت. در این مورد نیز باید برای پایان اداری دارد و ایران که با تنها چهارصدهزار نفر کارمند اداری دارد و ایران که با

۷۰ میلیون جمعیت بیش از چهار میلیون نفر کارمند دولتی در اختیار گرفته است، کاملاً حساسیت موضوع مشخص می‌شود اما این نکته نباید ما را از یک سری حقایق غافل کند. براساس اصل ۴۴ قانون اساسی آینده اقتصاد ایران در دست بخش خصوصی و تعاونی خواهد بود و دولت در جایگاه سیاست‌گذار قرار خواهد گرفت. در این زمینه نه تنها بنگاه‌های کوچک اقتصادی بلکه بنگاه‌های بسیار بزرگ نیز در بخش‌های صنعت و خدمات واگذار خواهند شد. با اینکه تاکنون جلسه‌ها و تصمیم‌گیری‌های زیادی پیرامون طرح خصوصی‌سازی صورت گرفته اما از طرف دیگر مداخلات دولت در بسیاری بخش‌های اقتصادی نتیجه‌گیری و بازدهی طرح را با شبهه مواجه می‌سازد. مداخلات کنونی دولت در ساز و کار بازار از جمله اعتبارات بانکی و قیمت‌گذاری کالاها و خدمات موضوعی نیست که با واگذاری ارگان‌های دولتی به بخش خصوصی پایان یابد. این امر مستلزم آن است که دولت به طور شفاف و واضح جایگاه خود و حدود و اختیارات خود را در زمان واگذاری شرکت‌ها به بخش خصوصی بیان کند. علاوه بر این مسئولیت مهم دیگر دولت پیش از اجرای طرح خصوصی‌سازی فراهم کردن زمینه‌های لازم جهت فعالیت بخش خصوصی است.

زمانی که در سال‌های ۱۳۶۸ و ۱۳۶۹ مقدمات خصوصی‌سازی در کشور فراهم می‌شد، هنوز کشورهای دنیا تجربه مدنی از این موضوع نداشتند. اما امروز که تجارب ارزشمندنی درخصوص کوچک‌سازی دولت شکل گرفته، تکرار اشتباهات این گونه کشورها به هیچ وجه قابل توجه نیست. کارشناسان اقتصادی دنیا همگی بر این باورند که یکی از پیش‌نیازهای مهم طرح‌های خصوصی‌سازی در کشورها تحول در بازار آن سوق‌دادن اقتصاد آن به سوی اقتصادی باز و آزاد است. از آنجایی که بخش خصوصی برخلاف دولت مصالح مردم را در نظر نمی‌گیرد و منافع اقتصادی بیش از هر چیز از اهمیت برخوردار است بنابراین باید محیط اقتصادی را به گونه‌ای فراهم کرد که فعالیت بخش خصوصی در آن به ضرر قشر کم درآمد و آسیب‌پذیر جامعه نباشد.

بخش خصوصی به دلیل اهمیت فراوان سرمایه‌ای که در اختیار دارد سعی می‌کند با ارزیابی موقعیت‌های مختلف در بازار اقتصاد کشور، آن را در بهترین و سودده‌ترین بخش به جریان اندازد. بخش خصوصی در مورد چگونگی به کارگیری سرمایه خود تصمیم می‌گیرد و شاید بتوان گفت هیچ قانونی نمی‌تواند او را مجبور کند که چه انتخابی در این باره داشته باشد. در اینجا نقش دولت به عنوان نهاده‌ی که باید انگیزه‌های لازم را جهت فعالیت این بخش فراهم کند، کاملاً مشخص می‌شود. اقتصاد بسته و همراه با ریسک بالای سرمایه‌گذاری به هیچ وجه نمی‌تواند برای سرمایه‌گذار جذاب باشد. در یک چنین اقتصادی هرگونه تشوش در یک قسمت اقتصادی باعث فرار سرمایه از آن بخش و سرازیر شدن منابع مالی و حتی انسانی به بخش دیگر اقتصاد می‌شود. در این زمان ضرر مالی و ضربه مهلکی که آن بخش اقتصادی متحمل می‌شود از سوی چه کسی قابل جبران است؟ البته نباید فراموش کرد که این گونه اتفاقات در هر کشوری که بخشی از اقتصاد خود را به دست سرمایه‌گذاران خصوصی داده است غیرقابل اجتناب است اما در مورد کشور ما قضیه تا اندازه‌ای فرق می‌کند.

در اینجا نباید این گونه ضربه‌ها را تنها به بهانه اینکه جزئی از ذات برنامه خصوصی‌سازی هستند دست‌کم بگیریم. فراهم کردن زمینه‌های لازم و توجه به پیش‌نیاز مهم طرح خصوصی‌سازی که همانا کاهش ریسک سرمایه‌گذاری و ایجاد اقتصادی باز و آزاد است می‌تواند کمک بسیار بزرگی جهت کاهش این گونه ضربه‌ها باشد. با اینکه رسیدن به این اهداف پیش از اجرای برنامه خصوصی‌سازی مستلزم صرف زمان طولانی است اما در کنار آن چون صحبت از یک طرح ملی با تأثیرات بلندمدت است مطمئناً نباید در اجرای آن تعجیل صورت گیرد. اجرای طرح خصوصی‌سازی چه از طریق اهدای سهام عدالت و چه با روش‌های دیگر باید ابتدا یک پروسه منطقی و کارشناسانه را طی کند و بعد از اطمینان از فراهم شدن شرایط به اقدامات لازم نسبت به اجرای سراسری آن صورت گیرد. چه‌بسا تاکنون عدم توجه به این پروسه و بی‌اعتنایی به پیش‌نیازهای مورد نیاز طرح‌های اقتصادی عامل مهم کج‌روی‌های این طرح‌ها در زمان اجرا بوده است. بنابر این به نظر می‌رسد دیگر وقت آن رسیده که با تغییر نگرش در چگونگی اجرای برنامه‌ها و سیاست‌های اقتصادی ضربی اطمینان را از عملکرد و بازدهی مناسب آنها بالا ببرده و مسائل نامطلوب حاشیه‌ای در حین اجرای طرح‌ها را به حداقل برسانیم.